

گزارش سفر به ازبکستان

سید محمود مرعشی نجفی

کتابخانه و آن مرکز، لیست تعدادی از نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه انستیتو را جهت تهیه تصویر و یا میکروفیلم تحویل گرفتم.

آقای مظفر خیرالله اف دارای دکترای فلسفه شرق است. وی بر روی آثار فارابی و جهان‌بینی او کار کرده و آثاری را به زبان‌های روسی و ازبکی در مسکو و تاشکند به چاپ رسانیده است. وی از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹ میلادی رئیس انستیتو فلسفه و حقوق آکادمی علوم ازبکستان بود و آن‌گاه ریاست انستیتو خاورشناسی ابوریحان را از سال ۷۹ تا ۱۹۸۴ برعهده داشته است. هم‌چنین به سمت رئیس بخش انستیتو فلسفه و حقوق و سرانجام از سال ۱۹۹۳ م مجدداً به ریاست انستیتو خاورشناسی ابوریحان برگزیده شد.

سپس عازم دیدار از انستیتو حمید سلیمان شدیم. این مرکز دارای هشت هزار نسخه خطی است که تاکنون دو جلد از فهرست نسخه‌های خطی آن چاپ شده و بقیه آن به صورت سه دفتر بزرگ دست‌نویس است که فقط نام کتاب و مؤلف و تاریخ کتابت و زبان هر نسخه را ثبت کرده‌اند و چون امکانات چاپ آن را ندارند طی یک قرارداد با مسؤولان آن مرکز مقرر شد این فهرست را کتابخانه ما چاپ کند، چون یکی از اهداف ما شناسایی منابع و نسخه‌های خطی اسلامی در گوشه و کنار جهان است.

آقای عبدالعزیز کامل اف، وزیر امور خارجه ازبکستان، از این‌جانب به منظور شرکت در سمینار بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شهرهای «خیوه» و «بخارا»، دعوت کتبی رسمی کرد. این‌جانب ضمن قبول دعوت، متأسفانه به علت مشکلی که برایم پیش آمده بود موفق به شرکت در سمینار فوق نشدم، اما در روز ۷/۸/۷۶ جهت بازدید از شهرهای «خیوه» و «اورگنج» و بعضی مراکز دیگر، که در سفر اول به آن کشور موفق به بازدید از آن‌ها نشده بودم، به مدت یک هفته عازم آن دیار شدم. به هنگام ورود به «تاشکند» در فرودگاه مورد استقبال سفیر جمهوری اسلامی ایران و آقایان دکتر مظفر خیرالله اف، رئیس انستیتو نسخه‌های خطی ابوریحان بیرونی، و آقای پروفیسور ارون بایف، شرق‌شناس برجسته و عضو فرهنگستان علوم و وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چند تن دیگر از اعضای سفارت قرار گرفتم و آن‌گاه به محل اقامت رهسپار شدیم.

بازدید از دو انستیتو

صبح روز اول از انستیتو خاورشناسی «ابوریحان بیرونی» بازدید کردیم و با آقای دکتر پروفیسور مظفر خیرالله اف محی‌الدین اویچ، رئیس آن مرکز، و آقای پروفیسور اورانبایف و دیگر اعضای هیئت علمی ملاقات کردم. در پی تفاهم‌نامه بین

افتادم که به مدت هفت سال در این شهر اقامت داشته است. رودخانه معروف «جیحون»، که از کوه‌های بسیار مرتفع جمهوری تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد، از همین شهر عبور می‌کند و در نهایت به دریاچه «آرال» می‌ریزد. این رودخانه با بیش از دوهزار کیلومتر طول، بسیار پرآب و طولانی است و باعث رونق کشاورزی منطقه شده و بهترین پنبه جهان در این منطقه کشت می‌شود و یکی از محصولات استراتژیک ازبکستان به‌شمار می‌آید.

صبح روز بعد از شهر اورگنج با اتومبیل عازم شهر «خیوه»، که در سی کیلومتری آن قرار دارد، شدیم. شهر خیوه بسیار کوچک و کم‌جمعیت (حدود سی هزار نفر) است. یکی از آثار بسیار زیبا و تاریخی این شهر مجموعه ارک است که مرکب از چندین مدرسه، مسجد، مقبره و مناره است که خان‌های خیوه آن‌ها را در قرن‌های ۱۲ و ۱۳ ق ساخته‌اند. گویند این ارک دارای صد مدرسه کوچک و بزرگ بوده که به مرور ایام از میان رفته و هم‌اکنون یازده مدرسه آن برجا مانده است. در اطراف این ارک، که دارای دیواره‌های بسیار بلند و برج و بارو است، ظاهراً خندق‌هایی قرار داشته که دشمن نتواند به آن نفوذ کند. وارد ارک که شدیم، نخست به مقبره پهلوان محمود، معروف به «پوریای ولی»، رسیدیم که دارای یک صحن بسیار کوچک و یک مقبره و گنبدکاشی فیروزه‌ای است. تندیس بزرگ فلزی از این پهلوان در نزدیکی درب ورودی ساخته‌اند که دارای عمامه‌ای بزرگ و محاسن و قبای بلند است.

در داخل این مقبره یکی از شاه کارهای کاشی‌کاری چشم‌را می‌نوازد که البته بیش‌ترین کاشی‌کاری‌های مجموعه ارک، کار استادان ایرانی است که به هنگام زندانی شدن آنان در این دیار به دستور خان‌های خیوه آن‌ها را انجام می‌دادند. در داخل مقبره پوریای ولی قبر محمدرحیم خان اول، خان بزرگ خوارزم، از اوایل سده ۱۳ ق قرار دارد که کاشی‌کاری‌های آن یکی از زیباترین کاشی‌کاری‌های جهان است. هم‌چنین در همین قسمت دو قبر کوچک با سنگ سیاه حجاری شده با خطوط نستعلیق قرار گرفته که مربوط به قبر «ابوالقاسمی خان» و «انوشه خان» از دیگر خان‌های خیوه است.

در داخل محوطه این مجموعه قبور، در چهار گوشه آن، چهار

این قرارداد را این‌جانب و آقای دکتر عزیزخان قتیوم‌اف پولادویچ امضا کردیم. ایشان از شخصیت‌های علمی و ایران‌شناسان برجسته ازبکستان است که در سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۰ م وزیر فرهنگ ازبکستان بوده و آثاری از ابن‌سینا و نیز غزلیات بابر و هزار و یک شب را به زبان ازبکی ترجمه کرده است. البته بیش‌ترین کار وی بر روی آثار «علیشیر نوایی» متمرکز بوده است. موضوع رساله دکترای او «محیط ادبی ناحیه خوقند در قرن ۱۹ میلادی» است. وی تاکنون دو بار به ایران سفر کرده است.

موزه تیمور

در روز سوم اقامت در تاشکند از موزه تیمور، که سال قبل با ساختمان زیبایی افتتاح شده بود، بازدید کردیم. در این موزه ضمن دیدار با مسؤول آن (بوربای احمداف) با آقای عبیدالله اواتف یا عباداف، قائم مقام بنیاد امیر تیمور، که سال قبل در ۶۶۰ سالگی تولد امیر تیمور برقرار شده ملاقات نمودیم. او در سال‌های ۹۱ و ۹۲ میلادی مشاور امور مذهبی رئیس جمهوری ازبکستان بوده و آن‌گاه که کمیته امور دینی تشکیل گردید به‌عنوان قائم مقام آن کمیته برگزیده شد. وی تألیفاتی دارد؛ از جمله: ترجمه عجائب‌المقدور فی تاریخ تیمور، به ازبکی در دو جلد، و حالات بخاری و ترمذی و مسلم بن حجاج از مؤلفان صحاح شش‌گانه اهل سنت. تخصص وی درباره زرخش، مفسر معروف، است.

ارک تاریخی شهر خیوه

در سومین روز اقامت در تاشکند عازم شهر «اورگنج» شدیم. پس از دو ساعت پرواز با یک هواپیمای کوچک دوازده نفره وارد آن شهر شدیم. در فرودگاه مفتی شهر به گرمی از ما استقبال کرد و آن‌گاه ما را از فرودگاه تا شهر همراهی نمود و در اقامت‌گاهی اسکان داد. شهر اورگنج مرکز ایالت خوارزم است که قسمتی از این ایالت در حال حاضر در جمهوری ترکمنستان قرار گرفته است و شهر خیوه نیز جزء همین ایالت خوارزم می‌باشد. من چون در سال ۱۳۴۱ ش زندگی‌نامه ابن‌سینا را می‌نوشتم با این منطقه آشنایی داشتم و بی‌اختیار یاد بوعلی

دخمه کوچک به طول دو متر و عرض یک متر و یک درب چوبی مثبت کاری قرار دارد که مربوط به صوفیان و درویشانی است که چهل روز از آن خارج نشده و به اصطلاح چله نشینی می کردند. این چهار دخمه را مردم «چله خانه» می نامند.

از این مجموعه خارج شدیم و به بازدید مدرسه «شیر قاضی خان»، یکی از وزرای خان خیره، رهسپار شدیم. این مدرسه در اصل دو طبقه بوده و به مرور ایام طبقه فوقانی آن از میان رفته و هم اکنون طبقه تحتانی با ۲۵ حجره باقی مانده است. گویند اسرای ایرانی خراسانی که در این شهر زندانی بودند به دستور همین «شیر قاضی خان» این مدرسه را بنا کردند، چون او گفته بود که اگر این اسرای ایرانی مدرسه ای به نام من، مانند مدرسه «الله قلی خان» - که وصف آن را خواهیم گفت - بسازند آنان را آزاد می سازم، لذا اسرای ایرانی این مدرسه را بنا کردند و چون این شهر در منطقه بسیار سردسیر قرار دارد و در زمستان ها ادامه کار میسر نبوده است، ساختمان آن هفت سال به طول انجامیده و پس از اتمام کار در روز افتتاح این مدرسه، کارگرهای ایرانی اسیر بر بالای بام ایستاده بودند، «شیر قاضی خان» هم در حیاط مدرسه ایستاد و گفت: بایستی یک مدرسه دیگر هم همانند این مدرسه بسازید که آن گاه از شدت ناراحتی اسرای ایرانی از بالای بام با کلوخ خان را مورد حمله قرار دادند و خان هم دستور داد آن ها را قتل عام کنند و گویند آن قدر جسد در حیاط این مدرسه ریخته بوده است که تا مدت ها کسی نمی توانست به آن مدرسه برود.

سومین محل بازدید ما مقبره ای معروف به «مزار شریف» بود که مربوط به یکی از علمای خیره است که در سده ۱۲ و ۱۳ ق می زیسته. آن گاه به مدرسه «آتا جان بوی»، که مدرسه کوچکی است و حدود ۱۱۵ سال قبل بنا شده، رفتیم.

هم چنین مدرسه «اسلام خواجه» را، که جنب مناره بسیار بلند و زیبای ارک قرار گرفته، دیدیم. این مدرسه یک طبقه است و اسلام خواجه آخرین امیر خوارزم بوده که در حدود نود سال قبل آن را بنا کرده است. این مدرسه دارای ۲۲ حجره به سبک مدارس قدیمی ایران است. در حال حاضر، حجره های این مدرسه را از داخل به یکدیگر راه داده اند و به یک موزه تبدیل شده است. در این موزه آثار فلزی مربوط به خان های خیره

و خوارزم و مقداری اسناد دست نویس و چند جلد کتاب خطی فارسی و عربی و ازبکی که چندان نفیس نیستند و نیز تعدادی قالیچه قدیمی قرار دارد.

از کارهای جالب معماری در این مدرسه آن که در زیر پایه ها و دیوارهای مدرسه به فاصله پنجاه سانتی متر از زمین تخته هایی به قطر ده سانتی متر قرار داده اند و گوشه های آن ها را با آهن بسته اند تا رطوبت زمین به بالای پایه و دیوارها نرسد و جالب این که رطوبت تا زیر این تخته ها آمده و بالاتر نرفته است و در اکثر ساختمان های این مجموعه همین روند انجام شده است.

پس از آن از تعدادی مقابر بزرگان و علمای خیره در پشت آرامگاه پهلوان محمود بازدید کردیم و عکسی به یادگار گرفتیم. بعد، از مسجد جامع این مجموعه بازدید کردیم. در کنار این مسجد یک مناره مرتفع دیگری قرار دارد که از مناره اصلی که گفتیم کوتاه تر است و آجر و کاشی کاری آن، چشم آدمی را می نوازد و در قرن ۱۳ ق ساخته شده است. در این مسجد جامع که ستون و سقف آن چوبی است تعداد ۲۱۳ ستون کنده کاری چوبی است و یک کالسکه مربوط به آخرین خان خیره در کنار این مسجد قرار دارد. سمیناری که به مناسبت دوهزار و پانصدمین سال ساخت خیره برپا شده بود در همین محل برگزار گردیده بود. روبه روی این مسجد یکی از مدارس کوچک همان خان های خیره به نام مدرسه «مطران نوای» است که در حال حاضر به صورت موزه ملی در آمده است.

پس از آن از مدرسه «محمد امین» در نزدیکی همین مسجد جامع بازدید کردیم. محمد امین یکی از خان های خیره بوده است. این مدرسه در حدود ۱۹۰ سال قبل ساخته شده و یک طبقه است.

آن گاه به دیدن کاروانسرای خیره، که در همین مجموعه قرار دارد و این مجموعه را به بازار شهر متصل می سازد، رفتیم. در این کاروانسرا تعدادی فروشنده اجناس روز را به فروش می رسانند. روبه روی این کاروانسرا مدرسه «الله قلی خان»، یکی دیگر از خان های خیره، قرار دارد که از شاه کارهای معماری و کاشی کاری در قرن ۱۲ ق است. همان گونه که یاد آور شدیم تمامی این کاشی کاری ها کار استادان برجسته ایرانی است که یا اسیر بودند و یا آن ها را با زور یا اختیاری از ایران به منطقه

البته این مجموعه در آثار باستانی یونسکو ثبت است و یونسکو همه ساله مبالغی را جهت تعمیرات مجموعه اختصاص می‌دهد، اما کافی به نظر نمی‌رسد. در شهر «خیوه» آثار دیگری هم وجود دارد که کمی فرصت به ما اجازه بازدید نداد و به ناچار مجدداً به «اورگنج» برگشتیم.

خرید کتاب

در این سفر مقداری کتاب به زبان روسی، که از بیش از یک صد سال قبل در «مسکو» و «سن پترزبورگ» و «تاشکند» در خصوص اسلام و ایران چاپ شده بود. برای تکمیل کتاب‌های روسی کتاب‌خانه خریدیم که از آن جمله‌اند:

- ۱- دائرة المعارف اتحاد شوروی در ۵۱ جلد به زبان روسی.
- ۲- دوره کامل آثار «بارتولد» در ۱۱ جلد به زبان روسی.
- ۳- دوره کامل آثار برتلس یا تاریخ تمدن ایران در ۴ جلد به زبان روسی.
- ۴- دوره کامل گراچوسکی در ۶ جلد به زبان روسی.
- ۵- دوره کامل استوری در ۳ جلد به زبان روسی.
- ۶- مهمان‌نامه بخارا و سه جلد اسناد سمرقند و شیوخ جویباری چاپ مسکو به زبان فارسی.
- ۷- مینیاتورهای آسیای مرکزی.
- ۸- قسمتی از الانساب سمعانی به زبان روسی.
- ۹- مقدمه ایران‌شناسی اورانسکی.
- ۱۰- تاریخ مسعودی به زبان روسی.
- ۱۱- تاریخ طبری به زبان روسی.
- ۱۲- القانون ابن سینا در ۱۱ جلد به زبان روسی - چاپ دوم.
- ۱۳- تمدن اسلامی آدام متز.
- ۱۴- مینیاتورهای با برنامه.

می‌آوردند. این نوع کاشی‌کاری، در جای دیگر کم‌تر یافت می‌شود؛ من تا کنون در جایی چنین کاشی‌کاری با سبک خاص ندیده بودم. این مدرسه به صورت مستطیل و در دو طبقه و به سبک خاصی است که در هیچ جا این سبک معماری وجود ندارد. در یک ضلع، قسمتی دارای چهار شبستان بلند و قسمتی چند حجره فوقانی و تحتانی و در ضلع مقابل، چهار درب ورودی کوچک که ورودی هشت حجره است و از گوشه داخل آن به قسمت فوقانی متصل می‌شود. من مدتی در این مدرسه ایستادم و تأسف خوردم که چرا به این آثار بسیار زیبا آن‌گونه که باید توجه نمی‌شود و مردم به آن بی‌تفاوت‌اند.

مراسم میهمانی ۲۵۰۰ ساله خیوه با حضور وزیر خارجه ازبکستان و والی منطقه و میهمانان داخلی و خارجی در حیاط این مدرسه برگزار شده است. من از کاشی‌کاری‌های این مدرسه تعداد زیادی عکس گرفتم. میل داشتم بیش‌تر از این مدرسه بهره ببرم، اما چون فرصت کم بود، به ناچار خارج شدم و به بازدید مدرسه «ابوالقازی خان» جنب کاروان‌سرای خیوه پرداختم. این مدرسه در دو طبقه و به صورت مربع ساخته شده است و متأسفانه در حال ویرانی است و هیچ‌گونه تعمیراتی هم در آن صورت نگرفته است. سر در ورودی این مدرسه کاشی‌کاری و درب‌های آن‌کنده کاری و فرسوده شده است.

سرانجام به بازدید مدرسه «محمد امین بهادر»، که از همه مدارس موجود در این ارک بزرگ‌تر است، رفتیم. این مدرسه به صورت مربع و در دو طبقه است. چهار گوشه آن از قسمت بیرونی چهار مناره دارد که سرهای آن از بام طبقات فوقانی حدود پنج متر بلندتر است و روی آن کاشی فیروزه‌ای است و حدود هفتاد حجره دارد و نسبتاً سالم‌تر از دیگر مدارس مانده است.

در جلوی درب ورودی این مدرسه یک مناره بسیار قطور و نسبتاً کوتاه با کاشی‌کاری فیروزه‌ای قرار دارد که ندانستم فلسفه این مناره چیست؛ مأذنه که نیست چون اتاقکی بر بالای آن وجود ندارد، ظاهراً سمبل این مجموعه باشد.

با تأسف فراوان از بی‌توجهی مسؤولان، اشخاص سودجو مقداری از زمین‌های ارک را تصرف کرده و حتی به خانه‌های مسکونی تبدیل نموده‌اند و از این جهت رو به ویرانی است.